

راهبردهای تبلیغی امام حسین علیه السلام در جذب حداکثری و دفع حداقلی مخالفان

fatemer13981366@gmail.com

فاطمه رضائی / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد

غلامرضا خوش‌نیت / استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده عقیدتی - سیاسی شهید محلاتی

r_khoshneyat@yahoo.com

ORCID ID: orcid.org/0000-0001-9062-798X



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۷

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی راهبردهای تبلیغی امام حسین علیه السلام دربارهٔ مخالفان و میزان تأثیر آنها بر جذب حداکثری و دفع حداقلی آنان با شیوهٔ توصیفی - تحلیلی و با روش استقرایی است. این تحقیق نشان داد که گسترش نظارت عمومی با هدف تضمین اجرای قوانین و تعمیق خداواری به‌عنوان عامل کنترل درونی با هدف اصلاح همه‌جانبهٔ امور، از مهم‌ترین ابزارهای راهبردی در زمینهٔ چگونگی تعامل با مخالفان است. راهبردهای رعایت سطح درک مخاطبان با ابزار شفافیت و تأکید و تکرار با هدف ایجاد امکان مقایسه و نتیجه‌گیری برای آنان، و نیز تمرکز بر عوامل اصلی و هستهٔ مرکزی اختلافات، عدالت‌خواهی و بازسازی ساختاری باورها با هدف کنار زدن انحرافات و زدودن خرافات، و مدیریت زمان و مکان جهت حفظ کانون‌های حمایتی و پایگاه‌های اجتماعی، تأثیر بسزایی در جذب حداکثری مخالفان و دفع خشونت‌طلبی و آشوبگری و نفی دین‌سالاری مبتنی بر ترس، و ایجاد همبستگی اجتماعی با هدف در انزوا قرار دادن مخالفان داشته است.

کلیدواژه‌ها: راهبردهای تبلیغی، امام حسین علیه السلام، جذب حداکثری، دفع حداقلی، مخالفان.

پس از پیامبر اسلام ﷺ، مخالفت با مبانی دین و انحراف از این مسیر وارد مرحله جدی تری شد. در عصر امامان شیعه علیهم السلام، به ویژه امام حسین علیه السلام، از یک سو تبلیغات گسترده مخالفان با استفاده از ابزارهای موجود، نفوذ زیادی در جامعه پیدا کرد؛ به طوری که زندگی روزمره مردم بدون تأثیر این تبلیغات غیرقابل تصور است؛ از سوی دیگر، موضوع مخالفت با دین و بروز انحرافات جدی در درون جامعه دینی توسط به ظاهر باورمندان دینی، به عنوان پدیده‌ای نوظهور و بدعتی آشکار مطرح شد که برای شخصیتی مانند امام حسین علیه السلام قابل چشم‌پوشی نبود. بررسی اوضاع این عصر و چگونگی مواجهه امام حسین علیه السلام با این اوضاع نشان می‌دهد که نه از لحاظ هویتی و نه از نظر عملکردی، امکان هیچ‌گونه تعامل و رابطه مسالمت‌آمیز میان این دو، نه تنها وجود نداشت، بلکه امکان‌پذیر نبوده است؛ اما چیزی که قابل انکار نیست، فرازونشیب‌های فراوان این تقابل است که می‌تواند ناشی از عواملی مانند راهبردهای تبلیغی و شیوه مدیریت امام حسین علیه السلام باشد. با توجه به اهمیت رابطه‌ای که میان فرهنگ حاکم بر جامعه آن عصر و نوع برنامه‌ریزی تبلیغاتی و مبارزاتی وجود دارد، به کارگیری رسانه‌های مختلف تبلیغی و شیوه‌های مؤثر آموزش دینی از جانب حضرت به منظور اشاعه مبانی اصیل دینی در جامعه به‌گونه‌ای بوده است که بتواند تصور صحیحی از وضعیت موجود و دورنمای مطلوب و راه‌های مناسب دستیابی به آن را در جامعه ترسیم کند تا از این طریق، آموزه‌ها و ارزش‌های دینی با بیشترین اثربخشی در اذهان جامعه ماندگار شود.

یکی از موضوعاتی که تحولات زمان و شرایط مکانی و تجربیات دینی، ما را به تفکر درباره آن سوق می‌دهد، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در تبلیغ دین است. این رسالت، در معارف اسلامی فریضه‌ای برای مؤمنان و وسیله‌ای برای رستگاری آنان شمرده شده است.

آنچه از آیات و روایات و سیره امامان معصوم علیهم السلام در این زمینه به دست می‌آید، آن است که فرمان دادن به نیکی و بازداشتن از بدی‌ها، تنها یک تکلیف دینی نیست؛ بلکه وظیفه‌ای انسانی و عقلی است که هرگاه به وسیله اهل آن و با شیوه صحیح انجام گیرد، ثمرات ارزشمندی مانند اصلاح همه‌جانبه امور و جلوگیری از تسلط انسان‌های شرور و دفع ظلم و ستم را به بار خواهد آورد. امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان بهترین و مؤثرترین ابزار مدیریتی در تعلیمات اسلامی مطرح شده است و جامع‌تر و مؤثرتر از آن در اندیشه هیچ قانون‌گذاری سابقه نداشته و در حقیقت، ضامن اجرای سایر قوانین و مقررات است. این اصل به تک‌تک افراد جامعه حق نظارت بر اجرای دستورات دین و جلوگیری از تخلفات را می‌دهد. امام حسین علیه السلام آن را وظیفه حتمی هر فردی دانسته و سرپیچی از انجام این وظیفه را مورد بازخواست و مؤاخذه قرار داده است. با حفظ این اصل بزرگ است که تشکیل عالی‌ترین جامعه بشری امکان‌پذیر می‌شود.

با توجه به مطالب فوق معلوم می‌شود که گسترش نظارت عمومی در شیوه تبلیغی اسلام، که با عنوان اصل امر به معروف و نهی از منکر شناخته شده، ابزار قدرتمند راهبردهای تبلیغی است که امام^{علیه السلام} توجه ویژه‌ای به آن مبذول داشته و با به‌کار بستن آن، گام‌های بلندی به‌سوی اهداف تبلیغی برداشته است. در این نوشتار کوشش شده تا راهبردهای مختلف تبلیغی‌ای که امام^{علیه السلام} برای دستیابی به جذب هرچه بیشتر مخالفان با کمترین میزان دفع و طرد به‌کار گرفته‌اند، بررسی گردد و پاسخ روشنی به پرسش‌های زیر داده شود:

۱. مهم‌ترین راهبردهای تبلیغی امام حسین^{علیه السلام} در جذب حداکثری و دفع حداقلی مخالفان کدام است؟

۲. امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان مهم‌ترین ابزار، چه نقشی در برنامه تبلیغی امام حسین^{علیه السلام} دارد؟

۳. میزان اثربخشی راهبردهای تبلیغی امام^{علیه السلام} در جذب حداکثری و دفع حداقلی مخالفان چگونه است؟

اوضاع کنونی جوامع دینی نشان می‌دهد که با وجود کانون‌های قدرتمند مخالفان و تبلیغات گسترده آنان با ابزارهای پیشرفته امروزی، چاره‌اندیشی‌هایی که برای خنثا کردن این مخالفت‌ها و تأثیر آنها شده، نتوانسته است نتیجه موردانتظار را داشته باشد. از آنجاکه دین اسلام به‌صورت عام و مکتب تشیع به‌طور خاص کامل‌ترین شیوه زندگی و بهترین برنامه تبلیغی را عرضه کرده است، اطمینان داریم که در زمینه ارائه الگوی تبلیغی برای جذب حداکثری و دفع حداقلی با هدف گسترش دینداری و جلوگیری از دین‌گریزی نیز راهبردهای اثربخشی ارائه داده است. این تحقیق بر آن است که با بررسی راهبردهای تبلیغی امام حسین^{علیه السلام} و تشریح و تبیین راه‌حل‌ها بتواند الگویی جامع را برای تعامل با مخالفان و دستیابی به اهداف موردنظر ارائه کند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. مفهوم راهبرد

واژه «راهبرد» معادل واژه «استراتژی» است و «استراتژی»^۱ یک لغت یونانی به‌معنای «فرماندهی و رهبری» است. معنای ساده «استراتژی» عبارت است از یک طرح عملیاتی به‌منظور هماهنگی و سازمان‌دهی اقدامات برای دستیابی به هدف استراتژی.^۲ اما در اصطلاح، استراتژی (راهبرد) را به «علم و فن توسعه و کاربرد قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک ملت به‌هنگام صلح و جنگ به‌منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال پیروزی و تقلیل احتمال شکست» تعریف کرده‌اند.^۳

۱. استراتژیا (Strategia).

۲. جواد میرشکاری، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، ذیل واژه.

۳. جلال‌الدین فارسی، گزارش سمینار استراتژی ملی، ج ۱، ص ۳۳.

۱-۲. مفهوم تبلیغ

«تبلیغ» واژه‌ای عربی است از ریشه «ب ل غ» به معنای خبر دادن، اعلام، اخطار، انذار و ابلاغ.^۱ «تبلیغ» به مفهوم به انتهای هدف و مقصد رساندن یا انجام دادن کاری در پایان زمان و مکانی معین، و گاهی به معنای به پایان رساندن است.^۲ «تبلیغ» در اصطلاح، بیشتر به معنای تبلیغات دینی شهرت یافته و تقریباً معادل دعوت است که معمولاً با اصطلاحاتی چون «وعظ و خطابه» هم‌مضمون است.^۳

۲. راهبردهای تبلیغ

۲-۱. انتخاب ابزارهای مناسب

کارآمدی طرح‌های تبلیغی و راهبردهای عملیاتی در مدیریت - بعد از مسئله هدف‌گذاری و ارائه چشم‌انداز - وابسته به انتخاب ابزار مناسب است. امام حسین علیه السلام نیز با آگاهی از اهمیت این موضوع، از دو عامل مهم به عنوان ابزار بهره‌برداری کرده است: امر به معروف و نهی از منکر به عنوان پشتوانه و ضمانت اجرایی؛ و رضایت و خشنودی خدا به عنوان عامل کنترل درونی.

۲-۱-۱. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر پیشینه‌ای به قدمت تاریخ حیات انسان دارد. نخستین انسان دعوت‌کننده به نیکی، حضرت آدم علیه السلام بود و پس از وی نیز پیام‌آوران وحی و پیروان آنان در انجام این وظیفه مهم تلاش کرده‌اند. می‌توان گفت که همه حرکت‌های اصلاحی و دگرگونی‌های سازنده در جوامع بشری، در پرتو امر به معروف و نهی از منکر آنان تحقق یافته است. اسلام نیز از پیروان خود می‌خواهد که خود را در برابر جامعه متعهد بدانند و در صورت مشاهده ستم و گناه سکوت نکنند.

امر به معروف و نهی از منکر نقش ارزنده‌ای در اجرای احکام و حدود الهی دارد و پشتوانه محکمی برای تثبیت ارزش‌ها و ریشه‌کنی مفاسد اجتماعی است. تجربه نشان می‌دهد که در طول تاریخ پرفرازونشیب اسلام، هرگاه مسلمانان در برابر هم احساس مسئولیت می‌کردند و یکدیگر را به اعمال شایسته فرامی‌خواندند و از بدی‌ها بازمی‌داشتند، دیگر دستورات الهی نیز ارزش واقعی خود را در متن جامعه پیدا می‌کرد و گناه در جامعه کمتر رخ می‌نمود. بعکس، هرگاه امر به معروف و نهی از منکر به صورت دو ارزش فراموش شده درمی‌آمد و مورد غفلت یا

۱. محمد مهیار، فرهنگ دستوری، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۳۰۸.

۳. محمد مهیار، فرهنگ دستوری، ج ۱، ص ۱۹۴.

کم توجهی قرار می گرفت، دیگر احکام الهی اسلام، از قبیل نماز، روزه، زکات و حج نیز هر روز کم رنگ تر و بی فروغ تر می گشت.

امام حسین^ع در ضمن بیان انگیزه‌های قیام خویش، به این عنصر مهم اشاره می فرماید و آن را محبوب خود می داند: «اللَّهُمَّ وَأَنْتَ أَحَبُّ الْمَعْرُوفِ وَ أَكْرَهُ الْمُنْكَرِ» و یگانه ابزار برای اصلاح امت اسلامی می شمارد و از اینکه به معروف عمل نمی شود و از منکر جلوگیری به عمل نمی آید، شکوه می کند و مؤمنان را به دلیل ترک این فریضه سزاوار مرگ می داند.^۱

۲-۱-۲. خشنودی خدا

کلیدواژهٔ الله - جَلَّ جَلَالُهُ - محور درخشان و نوگرایانه‌ای است که در اندیشه‌ها و گفتار و کردار امام حسین^ع نمایان است. جلب رضایت پروردگار به معنای واقعی، در سرتاسر نهضت آن حضرت درک می شود. امام^ع در مواضع مختلف، بر محوریت «الله» و مالکیت ذات اقدس او تأکید کرده است:

... ای مردم! اگر شما از خدا بترسید و حق را برای اهل آن بشناسید، این کار بهتر موجب خشنودی خدا خواهد بود؛ و بدانید که ما خاندان پیامبر^ص، به امامت و رهبری جامعه، از این مدعیان نالایق و عاملان ستم و بیداد شایسته‌تریم.^۲

امام حسین^ع در برابر خواست خدای متعال خواسته‌ای برای خود و اهل بیت پیامبر^ص تصور نمی کند و همه بلاها و رنج‌های تبلیغ دین را برای جلب رضایت پروردگار و پاداش صابران تحمل می کند. رضایت خدای متعال را رضای خود می داند و دشواری تحمل بلاها و رنج‌ها را به امید پاداش الهی بر خود و مؤمنان هموار می سازد.^۳ امام^ع اعتقاد به حضور دائمی یک ناظر توانا را عامل مخالفت همگانی در برابر عناصر منحرف و قانون گریز می داند؛ عاملی که می تواند افکار عمومی را به گونه‌ای متحول سازد که در راه اصلاح جامعه و حکومت، خود را به هر آب و آتشی بزنند.^۴

یادآوری قدرت و عظمت پروردگار و بیم دادن مردم از عواقب شوم مخالفت با فرامین او، ابزاری است که به وسیله آن، جامعه را برضد زمامداران بیدادگر و قانون شکن برمی انگیزاند تا در برابر پیمان شکنی و بدعهدی آنان به پا خیزند و از مخالفت با شیوه عادلانه و بشردوستانه پیامبر خدا^ص جلوگیری کنند.

۱. محمدصادق نجمی، سخنان حسین بن علی^ع از مدینه تا شهادت، ص ۴۷.

۲. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۹۵.

۳. «رضا الله رضانا اهل البیت، نصیر علی بلائه، و یوفینا اجر الصابرين».

۴. علی بن موسی سیدین طاووس، لهنوف، ص ۱۱۱.

۲-۲. راهبردهای تبلیغی جذب

۲-۲-۱. رعایت سطح درک و فهم مخاطب

الف) صراحت و شفافیت در بیان اهداف

صراحت لهجه و شفافیت بیان، نخستین راهبرد مهم در امر تبلیغ دین است؛ زیرا هرچه بیان مبلّغ برای معرفی برنامه‌های دینی صریح‌تر و هدف آن برای مخاطبان واضح‌تر باشد، به دلیل درک آسان و سادگی در فهم، افراد بیشتری به آن گرایش پیدا می‌کنند. استفاده از بیانات پیچیده و رمزگونه و به‌کارگیری شیوه‌های نامأنوس فلسفی، یا دنبال کردن اهداف متعدد، تفکیک هدف اصلی را با مشکل مواجه می‌کند و باعث سردرگمی و دفع مخاطبان می‌شود.

بیان آشکار هدف‌ها و نفی انگیزه‌های مادی، اصل مهمی در راهبرد صراحت و شفافیت از جانب امام علیه السلام است؛ به‌طوری که آن حضرت در برابر مردم، خداوند را گواه می‌گیرد که حرکت اصلاح‌طلبانه و نهضت ظلم‌ستیزی او، نه برای رقابت بر سر حکومت و قدرت و نه برای به‌دست آوردن مال دنیاست؛ بلکه صرفاً به این علت است که نشانه‌های واقعی دین به مردم عرضه شود و انحرافات به‌وجودآمده در جامعه اصلاح گردد تا بندگان ستمدیده، از چنگال ستمگران و ورطه انحرافات رهایی پیدا کنند و اعمال دینی، احکام و سنت‌های برزمین‌مانده دوباره به‌اجرا درآید.^۱ لذا آن حضرت با صراحت و شفافیت، اصول و مبانی حرکت خود را در چهار اصل بنیادین بیان کرده است:

۱. بازگشت به اصول واقعی اسلام؛ آنجا که می‌فرماید: «لِئُرَىٰ مَعَالِمَ مَن دِينَكَ»؛ تا نشانه‌های دین را نشان دهیم؛ که همان اصلاح در فکرها و اندیشه‌هاست.

۲. تحول اساسی در وضع زندگی معیشتی و اقتصادی مردم: «و تظْهَرُ الْإِصْلَاحُ فِی بِلَادِكَ»؛ و اصلاح در سرزمین تو نمایان شود؛ یعنی همان حاکم کردن دستورات اسلام در کشور.

۳. تحول اساسی در روابط اجتماعی: «فِی‌أَمْنِ الْمَظْلُومِ مَن عِبَادِكَ»؛ فراهم کردن محیطی امن برای مردم و مهیا کردن شرایط، به‌گونه‌ای که بندگان مظلوم خدا از شر ستمگران در امان باشند.

۴. تحولی ثمربخش و اسلامی در نظام‌های مدنی و اجتماعی: «تُقَامُ الْمَعْتَلَةُ مِّنْ حُدُودِكَ»؛ آشکار کردن مرزهای فراموش‌شده دینی و برپا داشتن مقررات تعطیل‌شده و قانون‌های شکسته‌شده اسلام.

ب) ایجاد امکان مقایسه

یکی از راهبردهای تبلیغی امام حسین علیه السلام مقایسه خود و خاندان عترت و صفات و ویژگی‌هایشان با حکام ظلم و جور بنی‌امیه بود. هدف آن حضرت، بیدار کردن وجدان‌های خفته مخاطبان بود تا بتوانند از طریق این مقایسه متوجه

حقیقت شوند. اظهار نارضایتی از تحولات روزگار و رونق گرفتن میدان‌داری اشخاص نالایق و تأکید بر استحقاق پیامبر اسلام و خاندانش^ع، از جمله اقدامات آن حضرت به‌منظور توانمندسازی افکار عمومی برای مقایسهٔ موضع حق و باطل و قضاوت و نتیجه‌گیری است. ایشان در بیان علت نپذیرفتن بیعت با یزید، با مقایسهٔ خصوصیات خود و یزید، چنین بیعتی را غیرممکن دانستند:

ما خاندان نبوت و معدن رسالت و محل آمدوشد فرشتگان و جایگاه رحمتیم؛ خداوند امور را با می‌گشاید و با ما می‌بندد؛ و یزید مردی فاسق و شراب‌خوار، آدم‌کش و اهل فسق و فجور است؛ ولی ما و شما صحیح می‌کنیم و منتظر می‌مائیم تا معلوم شود کدام یک برای بیعت و خلافت شایسته‌تر است.^۱

آن حضرت همچنین در حال احتجاج با مروان بن حکم، به مقایسهٔ منزلت خود با جایگاه او پرداخت و فرمود: «قطعاً تو پلیدی؛ و به‌یقین، من از خاندان پاکی و پاکیزگی‌ام».^۲

امام^ع با معرفی خصوصیات پیشوای راستین جامعه، امکان قضاوت و نتیجه‌گیری مخاطبان را فراهم کرده است و پیشوای شایسته را عمل‌کننده به مقررات قرآن، انجام‌دهندهٔ رفتار در چارچوب قانون، حرکت‌کننده در مسیر عدالت و دادگری، و راسخ در اندیشهٔ خدمت به حق و کسب خشنودی خدا دانسته است.^۳

ایشان آشکارا و با تأکید و اطمینان، امامت و رهبری امت را تنها سزاوار کسانی می‌شمارد که جز به‌تبعیت از قرآن حکومت نکنند و بر هوای نفس خود تسلط داشته باشند و خود را وقف دین کرده باشند.^۴

هدف از معرفی حاکم لایق به مخاطبان، برخورداری آنان از آگاهی‌های لازم برای تشخیص حاکم شایسته‌ای است که باید از آن اطاعت شود تا در پذیرش رهبری واحد دچار سردرگمی نشوند و فریب حاکمان ساختگی و جعلی را نخورند.^۵ حکمرانی مطابق قرآن، برپا داشتن عدالت (اجرای کامل عدالت)، تدبیر به دین حق، و توان غلبه بر خواسته‌های نفسانی، از جمله ملاک‌های امام^ع برای گزینش حاکم شایسته است.

ج) تأکید و تکرار

از جمله راهبردهای امام حسین^ع در راستای رعایت تناسب برنامهٔ تبلیغی با سطح درک و فهم مخاطب، تأکید بر پیام‌ها با روش تکرار کردن است. امام حسین^ع و اهل‌بیت او در مواضع مختلف با تکرار رابطهٔ خود با پیامبر^ع، با عبارت‌های گوناگون، به بیان جایگاه و منزلت خود پرداخته‌اند؛^۶ همچنین در جایگاه‌های مختلف با تکرار عناوینی

۱. احمدبن ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۱۹-۲۴؛ محمدبن احمد خوارزمی، مقتل الحسین^ع، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. احمدبن ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۱۶.

۳. محمدبن احمد خوارزمی، مقتل الحسین^ع، ج ۱، ص ۱۹۶.

۴. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۹۷.

۵. احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ص ۳۰۰؛ محمدبن احمد خوارزمی، مقتل الحسین^ع، ج ۲، ص ۵.

۶. علی‌بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۳.

مانند «إنا اهل بیت رسول الله»، «أنا من اهل بیت الطهارة»، «ابن بنت الرسول»،^۱ «نحن اهل بیت محمد» و «ابن بنت نبیکم»،^۲ بر رابطه خود با پیامبر ﷺ تأکید کرده‌اند.

۲-۲-۲. راهبرد توجه به ریشه‌ها و زمینه‌ها

دومین راهبرد مهم برای جذب مخالفان، ریشه‌یابی و شناسایی زمینه‌های مخالفت است. غفلت از کانون اصلی و هسته مرکزی مخالفت‌ها و پرداختن به موضوعات فرعی، یکی از اشتباهات راهبردی در مدیریت است. امام حسین ﷺ مقدم بر هر امر دیگری به زمینه‌های مخالفت و ریشه‌های انحراف توجه کرد و کوشید تا مخاطبان را درباره آنها آگاه کند و از آنها برحذر دارد.

کاربست این راهبرد در تبلیغات امام حسین ﷺ در دو مرحله قابل بحث است:

الف) در مرحله اول، حاکم و فرمانروای جامعه را به‌عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عنصر در شئون مردم در نخستین اولویت، و کارگزاران و عوامل او را در اولویت بعدی مورد هدف قرار می‌دهد؛ زیرا نهاد حاکمیت، چه مثبت و چه منفی، در سوق دادن جامعه به‌سوی اهداف و مقاصد، دارای نقش کلیدی است. اگر حاکمیت دارای جنبه‌های مثبت، سازنده، معنوی، الهی و ربانی باشد، قطعاً جامعه به‌سوی همین مقاصد حرکت می‌کند و اگر حاکمیت دارای خصلت‌های منفی باشد، جامعه نیز به‌سوی همان خصلت‌ها رهسپار خواهد شد.^۳

امام حسین ﷺ ماهیت فرمانروایان اموی را به‌عنوان رژیم حق‌ستیز و مطیع شیطان و گریزان از قانون الهی و فرمان‌برداری خداوند، برملا ساخت؛ کارگردانان اموی را آشکارکننده تبهکاری و بیداد می‌دانست که مرزهای قوانین و مقررات خدا را به تعطیلی کشانده و سرمایه ملی را به انحصار خویش درآورده‌اند. آن حضرت بهانه‌جویی، توجیه و تأویل ناروا و برخورد ابزاری با دین را از جمله نمونه‌های مخالفت آنان با احکام الهی برای دگرگون کردن حلال و حرام خدا عنوان می‌کند و شایستگی خود را به‌عنوان زیننده‌ترین مردم به تلاش و جهاد خستگی‌ناپذیر و شجاعانه در راه دگرگونی مطلوب و خداپسندانه، به جامعه و امت اسلامی اعلام می‌کند.^۴

بی‌آبرو ساختن بیدادگران و افشاگری جرایم آنان، بخش مهمی از اقدامات حضرت برای تحقق اهداف این راهبرد است. به‌کار بستن این شیوه در امر و نهی از جانب امام ﷺ، نشان می‌دهد که شیوه پاسخ‌گویی و نوع تقابل اصلاحگر با اصلاح‌شونده، در صورتی می‌تواند اثربخش شود که متناسب با اعمال گستاخانه و بی‌پروای آنان باشد؛ بنابراین امام ﷺ ابایی ندارد که یزید را نوجوانی شراب‌خوار و سگ‌باز و معاویه را خیانت‌کار و عامل آلودگی مردم و

۱. احمدبن ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۱۹-۲۴.

۲. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۲۵.

۳. علی‌اکبر نوایی، «شرایط تاریخی و شیوه مبارزاتی امام حسین ﷺ».

۴. علی‌بن موسی سیدبن طاووس، لهوف، ص ۱۱۱.

منکر اندرزهای الهی معرفی کند تا توجه اذهان عمومی را به این مهم معطوف سازد که چگونه ممکن است رهبری امت محمد (ص) را کسی بر عهده گیرد که شراب می خورد و با افراد فاسق و شرور زمان مصاحبت می کند؟! یا اینکه فرد شراب خواری که نمی تواند حتی برای در اختیار گرفتن یک درهم پول محل اعتماد باشد، چگونه ممکن است رهبری امت اسلامی به او سپرده شود؟! و نیز معاویه، که پیامبر (ص) به او وعده ورود بدون توبه به قیامت را داده است، چگونه سزاوار رهبری امت و تعیین جانشین است؟!^۱

یادآوری رسوایی و بدنامی مادر بزرگ مروان بن حکم با لقب «پسر زرقاء» و افشای پستی و ذالت او، جملگی در راستای اولویت بندی اصلاحات با استفاده از اصل امر به معروف و نهی از منکر است:

وای بر تو! هان ای پسر «زرقاء»! آیا تو هستی که ولید را به زدن گردن من فرمان می دهی و او را بر این کار وسوسه می کنی؟ تو دروغ می گویی و فرومایگی و پستی خویش را به نمایش می نهی و با این شرارت ها بر ذالت خود می افزایی؛ چرا که ما همان گونه که همه می دانند، خاندان نبوت و پیامبری و گنجینه رسالت و پیام رسانی هستیم و یزید عنصری بد کردار، شراب خوار و خون ریز و کشنده انسان هاست.^۲

ب) در مرحله دوم، بر زمینه های روحی و روانی شکل گیری مخالفت در اشخاص تأکید کرده، که از جمله مهم ترین این زمینه ها، عادت به ارتکاب برخی گناهان و تأثیر سیر کردن شکم ها از مال حرام و شبهه است: «آری؛ در اثر هدایا، جوایز و تحفه هایی نامشروع که به دست شما رسیده است و غذاهای حرام و لقمه های ناپاک که شکم های تان را از آن انباشته اید، خداوند این گونه بر دل های شما مهر زده است و از فهمیدن حقیقت عاجزید».^۳

۲-۲-۳. راهبرد حفظ کانون های مبارزه و روشنگری

راهبرد دیگر امام حسین (ع) در نهضت آزادی خواهانه و نجات بخش خود در جهت جذب حداکثری، همان شیوه جاودانه قرآن در زمینه پیوند یافتن و یکپارچه ساختن قوای پراکنده آزادی خواهان و اصلاح طلبان برای تحقق یافتن آرمان های مترقی پیامبران و اولیای الهی است؛ چنان که خداوند در قرآن آورده است: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى»؛^۴ در کار نیک و پرهیز کاری با یکدیگر همکاری کنید. به کارگیری این شیوه توسط آن حضرت، در دو مرحله قابل بررسی است:

الف) مرحله اول: شناسایی و بازیابی اردوگاه های مبارزه

شناسایی اردوگاه های بزرگ مبارزه و تقویت کانون آگاهان و روشنفکران و مراکز وابسته و وفادار به حاکمیت عدالت، بخصوص ارادتمندان امیرمؤمنان (ع) و خاندان رسالت، که به بهانه همین ارادت و دلبستگی مورد بی مهری و سرکوب

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ص ۳۴-۴۰.

۲. علی کریمی، در سوگ امیر آزادی - گویاترین تاریخ کربلا، ص ۹۶.

۳. ابن حمزه طوسی، المناقب، ج ۴، ص ۶۶ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰.

۴. مانند: ۲.

قرار گرفته بودند، از جمله راهکارهای تبلیغی امام علیه السلام است. امام علیه السلام با استفاده از تمام امکانات موجود، از جمله ملاقات‌های حضوری و فرستادن نماینده و ارسال نامه، در صدد شناسایی قبایل و طوایف دارای حسن سابقه و برقراری ارتباط با سران و رؤسای این قبایل برآمد.^۱

ب) مرحله دوم: پاسخ‌گویی به ندای دادخواهی و استمدادطلبی (فرستادن نمایندگان ویژه ارسال نامه و اجابت دعوت) پاسخ‌گویی به ندای دادخواهی و استمدادطلبی بازماندگان چهره‌های مبارز و آزادی‌خواه و اصلاح‌طلبی که با پرونده‌سازی‌های دروغین و اتهامات واهی حکام جور (از قبیل ارتداد و اغتشاشگری و پیمان‌شکنی و خیانت) قتل‌عام شده یا به انزوا و تبعید کشانده شده بودند، همچنین مکاتبه با تعدادی از اشراف بصره و دعوت آنان به یاری کردن دین خدا و یادآوری اطاعت از امام خود به‌عنوان یک امر واجب، از جمله اقدامات امام علیه السلام در این زمینه است.^۲

دریافت دعوت‌نامه‌های بسیار از جای‌جای بلاد اسلامی و گشوده شدن دست‌های فراوان برای هم‌پیمانی و بیعت با آن حضرت، از جمله نتایج آشکار تحقق اهداف این راهبرد در زمینه جذب حداکثری مخالفان است. امام علیه السلام در بسیاری از نامه‌ها و سخنرانی‌های خود، بر اجابت کردن این دعوت‌نامه‌ها و دادخواهی تأکید کرده و آمادگی خود و خاندانش را به‌عنوان الگو و سرمشق و پیشوای راه عدالت و اصلاح، اعلام نموده است...^۳ آن حضرت در راه مکه به‌سوی کوفه، با طرمح، که زمان شناس و آگاه به سیاست بود، روبه‌رو شد و ضمن رایزنی و ارزیابی اوضاع با او، فرمود: «واقعیت این است که میان من و مردم عراق و کوفه پیمانی است استوار که من دوست ندارم از آن تخلف کنم و عهد خویش را با آنان نادیده بگیرم».^۴

۲-۲-۴. منزوی کردن مخالفان با دعوت همگانی و همبستگی اجتماعی

یکی از راهبردهای تبلیغی امام علیه السلام، منزوی کردن مخالفان به‌وسیله دعوت همگانی برای ایجاد همبستگی عمومی با محوریت دینداری و بازگشت به سیره نبوی است و در این راستا افراد و گروه‌های فرصت‌طلب را شناسایی و راهبرد مناسب را برای دفع آنها به کار می‌گرفت.

نکته شایسته توجه دیگر این است که همیشه افراد و گروه‌های فرصت‌طلبی وجود دارند که مترصدند تا از شرایط و حوادث و به‌اصطلاح از آب گل‌آلود بهره‌برداری کنند. به همین دلیل، رهبر و فرمانده باید زیرک و هوشیار باشد تا دوست و دشمن را بشناسد و فریب جریانات را نخورد و در دام فرصت‌طلبان نیفتد. از

۱. علی‌بن موسی سیدین طلوع، لهنوف، ج ۱، ص ۹۶.

۲. همان، ص ۹۷.

۳. محمدبن محمدبن نعمان مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۴؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۳.

۴. علی کریمی، در سوگ امیر آزادی - گویاترین تاریخ کربلا، ص ۳۳؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۴۱۴.

سخنان امام حسین^ع هويداست که آن حضرت به این مسئله واقف بوده و از احتمال سوءاستفاده برخی جریان‌های مخالف معاویه از موقعیت ایشان آگاه بودند و به آنان پاسخ رد می‌دادند^۱ و فردی مانند عمروعاص را که ادعای مصاحبت با پیامبر^ع داشت، دفع کرد. امام^ع درباره او فرمود: «اگرچه مصاحبت با پیامبر^ع در آن زمان برای عمرو فضیلت بود، اما مردم امارت او را نپذیرفتند و رسول خدا^ص نیز عمرو را عزل و خود امور مردم را بر عهده گرفت»^۲.

لذا امام^ع بر این موضوع تأکید دارد که جهاد و قیام برضد فساد و بیداد، وظیفه هر فرد مؤمن و آزاده است؛ نه فقط وظیفه خودش از آن لحاظ که امام است. به همین دلیل، عمل بر مدار حق را معیار و میزان سنجش اجتماع مسلمانان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «آیا حق را نمی‌بینی که بدان عمل نمی‌گردد و باطل را که از آن بازگردانده نمی‌شود؟ باید مؤمن خواهان دیدار خدا باشد»^۳.

همچنین آن حضرت سعی کرد تا با نامه‌نگاری‌های فراوان به سران قبایل و افراد بانفوذ و ملاقات‌های رودررو با مردم و فرستادن پیک به اقصانقاط سرزمین اسلامی، مخالفان و افکار انحرافی‌شان را در اقلیت قرار دهد و به انزوا بکشانند تا بدین‌وسیله تأثیر مخالفت‌ها و ستیزه‌جویی‌هایشان را خنثا کند:

ای مردم! رسول خدا^ص فرمودند: کسی که فرمانروای ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده و پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا^ص مخالفت می‌ورزد و در میان بندگان خدا با گناه و تجاوزگری رفتار می‌کند، ولی در برابر او با کردار و گفتار خود برنخیزد، بر خداست که او را در جایگاه (پست و عذاب‌آور) آن ستمگر قرار دهد.^۴

۵-۲. راهبرد بازسازی و تحول عقاید و باورها

واقعیت این است که گاهی جامعه انسانی و امت اسلامی تحت تأثیر عوامل مختلف، به‌مرور زمان از سلامت اندیشه و مطابقت عقیده با اصول عقلانی و مبانی شرعی فاصله می‌گیرد و به انواع بدعت‌ها و آسیب‌های ویرانگر مبتلا می‌شود. یکی از آرمان‌های والای نهضت امام حسین^ع، اصلاح‌طلبی برای بازسازی ساختاری و اصلاحگری در عقاید و باورهای انحرافی است.

بدین‌منظور، امام حسین^ع با نامه‌نگاری یا ملاقات‌های حضوری خود کوشیده تا با آگاهان و بزرگان و چهره‌های شناخته‌شده و بانفوذ جامعه ارتباط برقرار کند و لزوم تمسک به کتاب خدا و سنت پیامبرش را به آنان

۱. محمد غفوری، «فکار و رفتار سیاسی امام حسین^ع».

۲. عبدالله بن مسلم این قتیبه دینوری، الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۱۰؛ محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۴۸.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ص ۱۳۸۰؛ حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۴۵؛ محمدبن احمد خوارزمی، مقتل الحسین^ع، ج ۱، ص ۱۸۸.

۴. علی کریمی، در سوگ امیر آزادی - گویاترین تاریخ کربلا، ص ۲۶؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۴۸۱؛ محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۰۴.

عزالدین ابن‌اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۴۸؛ لوطین یحیی ابی‌مخنف، مقتل ابی‌مخنف، ص ۸۵.

یادآوری کرده، خطر از بین رفتن سنت‌ها و زنده شدن بدعت‌ها و انحرافات را گوشزد کند و بر ضرورت تبعیت آنان و متابعت از سخنانش به‌عنوان یگانه راه هدایت، تأکید فرماید.^۱ نقل شده است که آن حضرت فرموده‌اند:

بار خدایا! تو خود می‌دانی که آنچه از سوی ما اظهار و انجام می‌شود، نه برای رقابت در قبضه قدرت و به‌دست آوردن پست و مقام است و نه به انگیزه دستیابی به ثروت و دارایی این دنیا؛ بلکه هدف این است که نشانه‌های دین راستین و نجات‌بخش تو را به جایگاه خود بازگردانیم و شهر و دیار بندگان را از تباهی و بیداد و فریب اصلاح کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ها به نعمت امنیت و آسایش برسند و به آزادی و حقوق اساسی و انسانی خویش نایل آیند.^۲

۲-۲-۶. راهبرد عدالت‌خواهی

یکی از خطرات بزرگی که سرنوشت جامعه اسلامی را در دوران حیات سیدالشهدا^{علیه السلام} تهدید می‌کرد، فقدان عدالت و ناامیدی و اندوه مردم به‌سبب مرگ انصاف بود. امام^{علیه السلام} برخلاف عموم جامعه، مقهور و مغلوب فضا سازی و تبلیغات بی‌اساس نشد تا این پیغام را به آیندگان مخابره نماید که عدالت‌خواهی مهم‌ترین راهبردی است که می‌تواند منطق غالب و راهکار راهگشا باشد. خود آن حضرت نیز هدف خود را دست یافتن به قدرت و مال دنیا نمی‌داند؛ بلکه حکومت را برای حاکمیت دین خدا، سامان‌بخشی به شهرها و آسودگی بندگان خدا می‌خواست و از اینکه افراد کور و لال و ناتوان در شهرها رها می‌شوند و به آنان توجه نمی‌شود، شکوه می‌کرد و می‌فرمود که درخور مسئولیت، انجام وظیفه نمی‌شود.^۳

در این باره می‌توان مواردی را از باب نمونه بیان کرد:

۱. نامه به مردم کوفه: امام^{علیه السلام} در این نامه به شرایط و وظایف رهبری در جامعه اشاره می‌فرماید و می‌نویسد:

به جان حسین سوگند که در نگرش اسلامی، تنها کسی امام و پیشوای راستین جامعه است که به مقررات قرآن عمل کند و در چارچوب قانون رفتار نماید و در راه عدالت و دادگری گام سپارد و در خدمت به حق و در اندیشه آن باشد و جان و تن را برای کسب خشنودی خدا و رضایت بندگان او وقف سازد.^۴

۲. آن حضرت در برابر خیل لشگریان مخالف و منحرف و خودکامه، در بیانی روشنگر و تکان‌دهنده فرمود:

شما هم‌اینگ به‌سود دشمنان خود کمر به بیکار با دوستان خویش بسته‌اید؛ آن‌هم بی‌آنکه آنان در این مدت طولانی، عدل و دادی را در جامعه شما تحقق بخشیده یا در دوران حکومت استبدادی و انحصاری خود، شما را به آرزویان رسانده یا حقوق و امنیت و رفاه و آسایش شما را تضمین کرده باشند.^۵

۱. علی کرمی، در سوگ امیر آزادی، ص ۳۳.

۲. همان، ص ۳۴.

۳. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۶۸؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹.

۴. عزالدین ابن‌اثیر جزری، الكامل فی التاريخ، ص ۲۶۵.

۵. علی بن موسی سیدین طاووس، لهوف، ص ۲۸.

۲-۲۷. راهبرد علم و عالم در تبلیغ

امام حسین^ع عالمان را از کتمان حقایق برحذر داشته است؛ زیرا به دنبال خاموشی عالم و کنارگیری دانش است که حق کُشی‌ها رخ داده و حرمت‌ها لگدمال شده است. از دیدگاه امام حسین^ع، بزرگان و نخبگان جامعه وظیفه دارند که در راه خدا و دفاع از حق، با ابزار امر به معروف و نهی از منکر، از جان و مال و آبروی خود هزینه کنند و بر سختی‌ها و آزارها شکیبا باشند.^۱

سیدالشهدا^ع با این راهبرد به پیکار عقاید بدعت‌آمیز، دعوت‌های گمراه‌کننده و داوری‌های شتاب‌زده و تعصبات کورکورانه می‌رود. آن حضرت شخصیت‌های باسابقه و افراد برجسته را به دلیل بی‌تفاوتی‌شان مورد سرزنش قرار می‌دهد:

ای رجال مقتدر! شما گروهی هستید که به دانش و نیکی و خیرخواهی شهرت یافته‌اید؛ در پرتو دین خدا در دل‌های مردم عظمت و مهابت یافته‌اید؛ شرافتمند از شما حساب می‌برد و ضعیف و ناتوان، شما را گرامی می‌دارد... من بر شما که بر خدا منت می‌نهد، می‌ترسم که از طرف خدا بر شما عذاب و گرفتاری فرود آید؛ زیرا شما به مقام بزرگی رسیده‌اید که دیگران دارا نیستند و بر دیگران برتری یافته‌اید...^۲

و در پاسخ به نامه کوفیان می‌فرماید: «اکنون برادر، پسرعمو و مورد وثوقم را می‌فرستم. از او خواسته‌ام تا احوال و امور و افکار شما را برایم بنویسد. اگر نوشت که بزرگان و اندیشمندان و خردمندان شما بر آنچه فرستادگان شما می‌گویند هم‌داستان‌اند، به‌زودی نزد شما خواهیم آمد».^۳

۲-۲۸. راهبرد مدیریت زمان و مکان

آنچه از شیوه تبلیغی معصومان^ع، از جمله امام حسین^ع، به دست می‌آید، آن است که یک اصل کلی بر اندیشه و عمل ایشان حاکم است که می‌توان آن را «اصل مدیریت زمان و مکان» خواند؛ یعنی اگر جامعه (امت اسلام) یا دست‌کم بخشی از جامعه به امام روی آورد و تمایل داشت تحت فرمانش درآید، امام هم برای حکومت اسلامی و اجرای احکام قیام و حرکت می‌کند. در غیر این صورت، وظیفه قیام از امام ساقط است؛ چون حکومت برای امام اصل و هدف نیست تا به هر قیمتی آن را به دست گیرد. امام حکومت را ابزاری برای اجرای شریعت می‌داند؛ لذا اگر امکانی برای اجرای احکام وجود نداشته باشد، وجود حکومت ارزشی ندارد.

از اقتضائات مهم این راهبرد، پرهیز از ماجراجویی و خودداری از اقدام شتاب‌زده و نستجیده است. این سازوکار در سیره عملی امام حسین^ع و دیگر ائمه اطهار^ع به‌خوبی مشهود است. درباره حضرت سیدالشهدا^ع نیز نباید تصور شود که وی تحت هر شرایطی درصدد قیام و برخورد خشونت‌آمیز بوده‌اند؛ بلکه براساس شواهد و قرائن

۱. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۶۸؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹.

۲. عبدالله بن مسلم ابن‌قتیبه دینوری، الامامة و السياسة، ص ۲۴۶.

۳. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۷۸؛ عزالدین ابن‌ابیرجری، الکامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۵۳۴؛ محمدبن محمدبن نعمان مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۰۴.

فراوان می‌توان این حقیقت را دریافت که حفظ جان شیعیان و حراست از سرمایه‌های انسانی و عقیدتی جایگاه ویژه‌ای در مدیریت حسینی دارد.^۱ آن حضرت در مقابل پیشنهاد دوست‌داران و چاره‌اندیشی برخی خیرخواهان، بر شرط پذیرش جامعه و اقبال عمومی برای قیام، همچنین بر موقعیت‌شناسی و بردباری تأکید کرده است: «فَمَنْ قَبِلَنِي يَقْبَلِ الْحَقَّ فَاللَّهُ أُولَىٰ بِالْحَقِّ وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ».^۲

از جمله اقدامات حضرت در زمینه انتخاب مکان و زمان تبلیغ، حرکت از مدینه به سوی مکه و سپس هجرت از مکه بود. با توجه به حضور مسلمانان در مکه و ورود کاروان‌های حج از کران تا کران سرزمین اسلامی به مکه، خروج قافله حسینی از مکه نظر کاروان‌های مستقر در مکه و کاروان حجاج را که در حال ورود بودند، بسیار جلب می‌کرد و این موضوع می‌توانست حس کنجکاو مردم را تحریک کند تا از ماجرا مطلع شوند. گو اینکه مکان و حتی روش مبارزه از ازل تعیین شده بود؛ از این رو، امام حسین علیه السلام پس از آنکه از مجلس ولید بیرون آمد، تصمیم گرفت که مبارزه خود را با یزید ادامه دهد؛ ولی نه در مدینه؛ بلکه به صورت یک حرکت نظامی و فرهنگی از مدینه تا کربلا.^۳ از جمله این تدابیر، انتخاب موضع و محل استقرار نیروها، با توجه به شرایط زمانی و مکانی مختلف است. در منزل «شرف»، پس از دیدن سپاه کوفه، امام علیه السلام کاروان خود را به پناه کوه «ذوحسَم» برد تا تنها از یک سو با دشمن مواجه شود؛^۴ و باز چنین برمی‌آید که شماری از خیمه‌های جنگجویان، در اطراف بوده و خیمه‌های زنان در جای مطمئنی قرار داشته است. پس از آن امام دستور داد تا دورتادور خیمه‌ها خندق کنده و میان آنها را پر از هیزم و خار و خاشاک کردند.^۵

۲-۳. نقش راهبردهای تبلیغی در دفع حداقلی

در سطور گذشته نقش راهبردهای تبلیغی هشت‌گانه در گرایش عامه مردم به تبعیت از رهبری دینی و حضور حداکثری در جبهه حق بیان شد. در این قسمت به تأثیر این راهبردها در دفع حداقلی مخالفان اشاره می‌شود.

۲-۳-۱. دفع خشونت‌طلبی

بررسی سیره عملی امام علیه السلام ثابت می‌کند که جهاد مسلحانه و قیام خونین، یگانه روش مبارزه آن حضرت نبوده؛ بلکه شیوه تبلیغی ملایم و مبارزه بدون خشونت و خون‌ریزی و به اصطلاح امروزی جنگ نرم، در قاموس تبلیغی امام علیه السلام جایگاه ویژه‌ای داشته است. لازمه این امر، توانایی ارزیابی جریانات و تشخیص جهت‌گیری مخالفان و هدف و

۱. محمدجعفر امیرمحللاتی، امام حسین علیه السلام پژوهشی برای جهان معاصر، ص ۱۴۳.

۲. محمدبن احمد خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۸؛ محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۲۸؛ جواد سلیمانی، نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا، ص ۸۵.

۳. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۸۸.

۴. عزالدین ابن‌اثیرجزری، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۵۱؛ محمدبن نعمان مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۲۳.

۵. احمدبن ابن‌عظم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۷-۱۰۸؛ سلیمان قندوزی، ینابیع الموده، ص ۴۱۰.

انگیزه آنهاست. امام^{علیه السلام} از صلح امام حسن^{علیه السلام} با معاویه دفاع کرد و با برادرش در این خصوص هم‌صدا شد. او تقاضای بعضی از شیعیان را برای قیام مسلحانه و اقدام خشونت‌آمیز نپذیرفت؛^۱ لذا به شیعیان سفارش می‌کرد، تا زمانی که معاویه زنده است، پلاس خانه خود باشد (کنایه از عدم قیام و اقدام خشونت‌آمیز).

امام^{علیه السلام} رأی برادرش را درباره صلح و رأی خود را درباره جهاد با ستمگران، دو جنبه یک راهبرد می‌دانست و از این رو، از شیعیان می‌خواست تا برخلاف مقتضای شرایط حرکتی نکنند و خود و مقاصدشان را پوشیده دارند تا از شک جاسوسان در امان بمانند.^۲ اهمیت این راهبرد تا آنجاست که حضرت، هم صلح برادرش با معاویه و هم علاقه خود به جهاد با ستمگران و ظالمان را مستوجب پاداش شمرده است.^۳

۲-۳-۲. نفی دین‌سالاری مبتنی بر ترس

نقش دیگری که راهبردهای تبلیغی در زمینه دفع مخالفان داشته است، نفی عوامل رعب و وحشت دستگاه حاکم در دل مردم بود؛ چراکه اراده اصلاح و تغییر را از مردم سلب می‌کرد. امام^{علیه السلام} نفوذ هراس در دل‌ها را عامل اصلی سکوت و تسلیم در برابر حکام ظالم می‌دانست و انگیزه‌های عقیدتی و ایدئولوژیکی را عامل اصلی بیداری و هوشیاری مردم و غلبه بر وحشت ارزیابی می‌کرد. بر این اساس، حضرت کوشش کرد دین را زنده کند تا با عمل کردن به احکام الهی، بساط گناه و منکرات از جامعه برچیده شده، روحیه تقوا و دین‌محوری و شجاعت در بین امت اسلامی زنده شود. او علت خواری و بردگی عده‌ای، و بیچارگی و زندگی خفت‌بار عده‌ای دیگر را کوتاهی در انجام وظیفه و پیروی از اشار و گستاخی در برابر خدا و دل سپردن به رسوایی و هوسرانی دانسته است.^۴ خشونت/بیزاری در صد بالای از مردم کوفه را به هراس انداخت و کسانی که بسیار زودرنج و در تصمیم‌گیری عجز بودند، نه تنها از ناحیه/بیزاری خود را در معرض تهدید می‌دیدند، بلکه در اثر شایعات او مبنی بر رسیدن قریب‌الوقوع سپاه شام، کاملاً خود را باختند.^۵

۲-۳-۳. نفی استبداد و زورمداری

یکی از شاخصه‌های تبلیغاتی امام حسین^{علیه السلام} نپذیرفتن حاکمیت فردمحور، و استقامت در برابر زورمداری و سلطه‌طلبی است. راهبرد امام^{علیه السلام} در این زمینه دارای دو بعد است:

۱. همان.

۲. احمدین یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۵۲ ابن حمزه طوسی، الثاقب فی المناقب، ج ۴، ص ۶۶

۳. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ص ۴۳۹.

۴. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۱۸.

۵. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۱۳۴.

نخست معرفی مستبد و زورگو به مردم با بیان ویژگی‌های استبداد و شواهد حکمرانی زورمدارانه: «... سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ...»^۱

دوم ارائه میزان و معیار سنجش و تشخیص به جامعه برای کشف حقایق و تمییز حق از باطل: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ...».

امام علیه السلام کوشید تا چهره واقعی باطل آشکار شود و با معرفی سیره پیامبر صلی الله علیه و آله امکان مقایسه حق با باطل و استبداد و زورگویی با حاکمیت توأم با رحمت و رأفت را برای عموم فراهم سازد؛ چنان که در برابر درخواست بیعت مأموران اموی فرمود: «کسی مانند من با فردی مثل او (یزید) بیعت نمی‌کند؛ لکن ما در کار خود می‌اندیشیم و شما نیز بررسی کنید [تا ببینید] کدام‌یک از ما برای خلافت و بیعت سزاوارتریم».^۲

حسرت بیعت و تسلیم را در آخرین لحظات حیات نورانی‌اش بر دل بیدادگران گذاشت؛ آنجا که فرمود: «به خدای سوگند، هرگز به خواسته ظالمانه آنان پاسخ مثبت نخواهم داد تا در حالی پروردگارم را دیدار کنم که در راه او و نجات و آزادی بندگانش از بند بیداد، به خون خویشتن رنگین شده باشم».^۳

۳-۲-۴. نفی سوءاستفاده از مظاهر دینی و مقدسات مذهبی

یکی از ویژگی‌های مدیریتی فرمانروایان خودکامه و حاکمان استبدادی آن است که حفظ قدرت و حکومت خود را به هر بهای و شیوه ممکن ضروری می‌دانند و برای دست یافتن به مقاصد خود، میان ابزارهای مشروع و نامشروع، مجاز و غیرمجاز یا قانونی و غیرقانونی تفاوتی نمی‌بینند. در مقابل این سیاست، امام حسین علیه السلام به مشروعیت توأمان هدف و وسیله التزام کامل دارد. امام علیه السلام در پاسخ به پافشاری ابن عباس برای اقامت در مکه و انصراف از رفتن به عراق فرمود:

به راستی پدرم برای من حدیث کرد که شهر مکه را بزرگی است که به وسیله او حرمت این شهر شکسته شود؛ و من دوست ندارم که آن بزرگ من باشم؛ و به خدا سوگند، اگر من دو وجب بیرون مکه کشته شوم، دوست‌تر دارم تا یک وجب؛ و هر چه دورتر باشم از مکه و کشته شوم، پیش من محبوب‌تر است؛ و به خدا سوگند، اگر من در لانهٔ جانوری از این جانوران باشم، مرا بیرون آورند تا آنچه خواهند، با من انجام دهند.^۴

امام علیه السلام برای پرهیز از شکسته شدن حرمت کعبه، کشته شدن در هر مکان دیگری را محبوب‌تر از ماندن در مکه می‌دانست. بنابراین، با اینکه می‌توانست در مکه پناه بگیرد و از قداست کعبه به‌عنوان سپر محافظ جان خود استفاده

۱. احمدبن ابن‌عثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۹۱.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵.

۳. عبدالرزاق موسوی مرقم، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۳۳۹.

۴. عزالدین ابن‌اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۲۱۸۴.

کند، از آن دیار هجرت کرد و به منظور حفظ احترام کعبه و جلوگیری از شکسته شدن حریم الهی، مکه را ترک کرد و دشواری‌ها و خطرات ترک این مکان مقدس را بر خود هموار ساخت.^۱

نتیجه‌گیری

با توجه به تجزیه و تحلیل یافته‌ها در این تحقیق و مقایسه آنها با سایر پژوهش‌ها این نتایج به دست می‌آید:

شیوه تبلیغی حسین بن علی^ع شیوه‌ای هدفمند، مستقل، مردمی، رهایی‌بخش و برخوردار از مدیریت و رهبری آگاه و مبتنی بر الگوهای مقاومت برگرفته از هویت دینی و اصول و باورهای ریشه‌دار اسلامی بوده است.

امام حسین^ع با به کار گرفتن راهکارهای تبلیغی مناسب که برگرفته از آموزه‌های اصیل اسلامی بود، با وجود موقعیتی دشوار و محدودیت‌های شدیدی که خلفای اموی و کارگزاران آنها برای او ایجاد کرده بودند، توانست از سیره و سنت نبوی^ص و دستاوردهای ارزشمند آن به صورت شایسته پاسداری کند.

در سیره تبلیغی امام حسین^ع، وقوع مخالفت‌ها تابع شرایط و معیارهای ثابتی است و جلوگیری از آنها با تغییر معیارها امکان‌پذیر است.

در اندیشه امام حسین^ع، جذب سرسخت‌ترین مخالفان به پذیرش باورهای دینی، با انتخاب راهبرد مناسب امکان‌پذیر است.

از دیدگاه آن حضرت، پذیرش آموزه‌های دینی اصل مسلم و حق عموم افراد است و بروز مخالفت‌ها، در اثر عواملی همچون خشونت‌طلبی، استبداد و زورمداری، سوءاستفاده از مظاهر دینی، انحراف در تفسیرها و رویکردهای دینی، نشر اکاذیب، تبلیغات مسموم و... شکل می‌گیرد.

در این اندیشه، همان‌قدر که در تکوین و پیدایش انحرافات، عوامل و متغیرهای مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و گاهی سیاسی مؤثرند، در پیشگیری از آن نیز مؤلفه‌ها و عوامل تعیین‌کننده‌ای ایفای نقش می‌کنند که شناخت زمینه‌ها و عوامل مزبور، از ضرورت‌های اساسی پیش‌بینی، پیشگیری، مقابله و مدیریت اثربخش مخالفت‌هاست.

بررسی روایات و شواهد مسلم تاریخی نشان داد که عوامل مهم موفقیت امام حسین^ع در جذب مخالفان، به تحولات عمیقی مربوط می‌شود که آن حضرت با نگاه جامع و گسترده به عموم جامعه، در زیرساخت‌های فکری و عقیدتی آنان ایجاد کردند.

منابع

- ابن اثیر جزری، عزالدین، *الکامل فی التاریخ*، چ چهارم، تهران، اساطیر، ۱۳۷۰.
- ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، چ دوم، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
- ابن شعبه حرائی، حسن بن علی، *تحف العقول*، قم، آل علی، ۱۳۸۲.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، *الامامة والسیاسة*، قم، شریف الرضی، ۱۳۶۳.
- ابی مخنف، لوط بن یحیی، *مقتل ابی مخنف*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
- امیرمحلّاتی، محمدجعفر، *امام حسینؑ پژوهشی برای جهان معاصر*، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۹۸.
- بلادری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۹۵.
- بن‌اعثم کوفی، احمد بن، *الفتوح*، چ ششم، بیروت، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۶ق.
- جعفریان، رسول، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، قم، دلیل ما، ۱۳۹۳.
- خوارزمی، محمد بن احمد، *مقتل الحسینؑ*، چ دوم، قم، انوار الهدی، ۱۴۲۳ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تصحیح صفوان عدنان داودی، بیروت، دار العلم، ۱۴۱۲ق.
- سلیمانی، جواد، *نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.
- سیدین طاووس، علی بن موسی، *لهوف*، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰.
- طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، چ دوم، تهران، اسلامی، ۱۳۸۱.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۸۹.
- طوسی، ابن حمزه، *الناقب فی المناقب*، قم، انصاریان، ۱۳۷۰.
- غفوری، محمد، «افکار و رفتار سیاسی امام حسینؑ»، ۱۳۹۵، *سیاست متعالیه*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۷-۲۴.
- فارسی، جلال الدین، *گزارش سمینار استراتژی ملی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۳.
- قندوزی، سلیمان، *ینابیع الموده*، چ پنجم، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۴۱۱ق.
- کرمی، علی، *در سوگ امیر آزادی- گویاترین تاریخ کربلا*، قم، حاذق، ۱۳۸۱.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، تهران، اسلامی، ۱۳۷۶.
- محدثی، جواد، *فرهنگ عاشورا*، چ سوم، قم، معروف، ۱۳۸۵.
- محمدی اشتهاردی، محمد، *غم نامه کربلا* (ترجمه لهوف)، تهران، مطهر، ۱۳۷۷.
- مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد*، تهران، اسلامی، ۱۳۷۶.
- موسوی مفرم، عبدالرزاق، *مقتل الحسینؑ*، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۱.
- مهبیار، محمد، *فرهنگ دستوری*، تهران، میترا، ۱۳۷۶.
- میرشکاری، جواد، *فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان*، چ دوم، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۶.
- نجمی، محمدصادق، *سخنان حسین بن علیؑ از مدینه تا شهادت*، چ چهاردهم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳.
- نوبی، علی اکبر، «شرایط تاریخی و شیوه مبارزاتی امام حسینؑ»، ۱۳۸۱، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ش ۳۸، ص ۱۱۱-۱۲۸.